

«روستا منطقه مغضوب» عنوان مطلبی است تحقیقی و پژوهشی پیرامون اجرای سیاستهای خائنانه و ویرانگرانه رژیم گذشته مبنی بر ویرانی و خرابی روستاهای کشور که بر اثر اشارات و دیکته نقشه‌های خبیثانه و جپاولگرانه شیطان بزرگ آمریکا در ۲۵ سال اخیر به فعلیت در آمد.

طراحان و نظریه پردازان امپریالیسم از آنجا که روستاهای ما را به دلائل ذیل:

الف - خودکفا بودن - در اینصورت کشور تاب تحمل انواع فشارها و محدودیت های اقتصادی خارجی را خواهد داشت و از جهتی مبین ما دیگر بازاری برای کالاهای مصرفی بیجبل غربی نخواهد بود.

ب - برخورداری از فرهنگی سیطو اصيل -

بنابراین فرهنگ غرب که «سراسر مصرفه خود باختگی، فساد، فحشا و مالا وابستگی است میدانی برای ابراز وجود پیدا نخواهد کرد.

ج - روستاها مراکزی بوده اند که اکثریت جنبش های چند دهه اخیر پایگاه در آنها داشته است.»

بر علیه منافع کثیف و امپریالیستی خود میدید، طرح های مغرب و شیطانی خود - از جمله اصلاحات ارضی - را بر پایه توسعه بی رویه شهرها، تخلیه و خرابی روستاها، تقویت و ایجاد صنایع مونتاژ و... بنا نهاد تا جائیکه نظام جمهوری اسلامی ایران امروز وارث یک مجموعه ناهمگون بنام شهر و روستا می باشد که بجای آنکه شهرهای ما متکی بر تولیدات داخلی روستاهایمان باشند، وابسته به انبوه واردات

خارجی و صادرات تک محصولی بنام نفت است و گروه عظیمی از مشکلات سیاسی - اجتماعی اقتصادی را پیش روی خود داریم و وضع به این شکل در می آید که امروز بایستی توان بسیاری از نیروهای خود را صرف چگونگی تریخیص کالا از بنادر و یا ایجاد آن، حل مشکل حمل و نقل - ایجاد جاده های متعدد برای عبور و مرور کامیونها - و... که هر یک از اینها نیز مسائل جنبی فراوانی را در خود نهفته دارند باشیم و از طرف دیگر هر روز میلیونها تومان بابت جریمه دیر کرد تخلیه کشتیها به شرکتهای خارجی بپردازیم. حال صرف انرژی نیروهایی که بابت رتق و فتق امور اداری واردات و خروج ارز و عوارض ناشی از آنها میشود بماند، که خود چندین کتاب می شود و ما را نیز در این مقدمه

مروری تحقیقی و تحلیلی بر سیاستهای استکبار جهانی و رژیم دست نشانده آن در تخریب روستاها و تشدید وابستگی

روستا منطقه مغضوب

نگاهی اجمالی به شهر و روستا

«روستا منطقه مغضوب»

رiform شاهانه در سال ۱۳۴۱ در ایران که پیش عمده ای از آن را لایحه براعکاس اصلاحات ارضی تشکیل میداد، شکاف موجود میان مناطق شهری و مناطق روستایی کشور را که در «مصدق بارز» تضادهای عمیق جامعه شاه مافوق و عمیق بر عمود اصلاحات توسعه طلبانه در روستاها را نشان داد که با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی آن زمان، بهره گیری از احزاب تازه که در نقاط مختلف طرحی شده بود از این پس بگونه ای هماهنگ و سیستماتیک سر و سامان گرفتاری های روستایی در ساخت شهری و روستایی میگردید که این سهم بر خودنمایی از تعبیر ساختار رژیم محوری مشخص در دهه ۴۰ میلادی، اگر چه در گذشته نیز تفاوتی فاحش میان شهر و روستا در ایران چه از نظر امکانات و چه به لحاظ تخصیص اعتبارات و

هرتیه های عمرانی، هرچشم بی تفاوتی را نیز متوجه می کرد، اما پس از این مقطع، سیاست های هماهنگ به سوی تخلیه روستاها و ایجاد تمرکز در چند شهر مشخص و مهم عمل میکند که تعقیب روند و منسجم حاکم بر آن بسیار مهم قلمداد میشود.

در سالهای پس از رژیم با اضمحلال کشاورزی، درآمد تولیدات نفت «نوزده پس از سال ۱۳۵۳» به عنوان یک منبع درآمد انکساری رژیم وابسته، که در این دوران پس از دست و پایی از جمله خریدهای هفتک و نامناسب تسهیلاتی، سرمایه گذاری های زیاد در خارج و یا در بخش های سه ناور داخلی، اشتغال وام و کمک های لاعوض به خارج، افزایش سیرده های بانکی و استگنان وارد کردن کالاهای مصرفی و واسطه ای و... می باید که بخشی از آن نیز صرف هزینه های عمرانی شهری و روستایی می شود که بعضی در چگونگی توزیع امکانات و امتیازات میان شهر و روستا، عمیق تر شده شکاف

موجود را بیان میکند.

لذا برای پی بردن به چگونگی این توزیع، مختصر کنکاشی پیرامون انگیزه های رژیم، چگونگی اجرای آن، میزان وابستگی سیستم به درآمد نفت و کسب های مصرف دلزارهای نفتی ضروری استماید تا آنگاه که توزیع نابرابر امکانات و اعتبارات میان شهر و روستا به عنوان یکی از سیاستهای رژیم در چشمن مجموعه ای رخ نماید.

علل، انگیزه و اهداف اصلاحات

جهت دستیابی به اصلی ترین علل و انگیزه های رژیم توسعه طلبانه از سوی امپریالیسم آمریکا در آغاز دهه «۱۹۶۰» که در ایران و برخی دیگر از کشورهای وابسته انجام پذیرفت، میباید با یک ریشه یابی تاریخی، زمینه های آنرا مورد بررسی قرار داد و علت رژیم را در ابعاد جهانی آن جویا شد.

اجازه و خیال پرداختن به آنها نیست و گرنه حول محور این مسئله که چه عوارضی در اثر جهانی شهرها از روستاها گریبانگیر ماست می توان بسیار صحبت کرد. باری امروز به یمن و برکت انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران هست خود را مصروف این مسئله کرده که بایستی بازنگری اصولی و اساسی به روستا نموده و روستا را بصورت مأمونی آسوده برای روستائیان در آورد و ارتباط از هم گسسته شهر و روستا را دوباره به هم پیوند داد و جبران آلام و دردهای سالیان متصادی روستائیان محروم را کرد. لذا مطلب پژوهشی و تحقیقی «روستا منطقه مغضوب» که بطور سلسله وار از این شماره در مجله درج خواهد شد، مروری است روستاگرانه و افشاگرانه بر سیاستهای مخربانه رژیم گذشته که

در راستای سیاستهای شیطان بزرگ در کشورهای جهان سوم، از جمله در کشور ما به اجرا درآمده است. تا بدین ترتیب قدمی هر چند ناچیز در باور این حقیقت برداشته باشیم که روستا باید در کلیه برنامه‌های (کوتاه مدت - دراز مدت) همواره بعنوان پایه استقلال و خود کفایی کشور محسوب شود. در آخر ذکر این نکته نیز لازم است که آنچه که در این شماره در مورد جنبشها و انقلابات مختلف جهان به منزله نمونه هایی در استنباط مقصود از آنها نامبرده شده است، هیچگاه به منظور نقد و ارزشیابی این جنبشها و انقلابات نیست و گرنه هر یک از حرکتها و نهضت هایی که از آنها در این قسمت از مقاله نامی به میان آمده است در جای خود قابل نقد و ارزیابی است.

مسافرت شاه به امریک صورت میگیرد، شاه در کتاب «ماموریت برای وطن» در این خصوص چنین مینویسد:

«در اواخر سال ۱۳۲۸ به منظور تقاضای افزایش کمکهای اقتصادی و نظامی به ایران، رهسپار امریک شدم. در آن کشور استقبال بسیار گرم و دوستانه‌ای از من ببع مل آمد ولی بدون حصول نتیجه‌ای باز گشتم زیرا با آنکه پرزیدنت ترومن در سال ۱۳۲۶ به منظور جلوگیری از نفوذ

با توجه به رشد روز افزون انقلابات جهانی، امپریالیسم بخوبی دریافته بود که با توسل به شیوه های پیستین و تنها اتکاء به مسلح کردن دیکتاتوریهایی وابسته قادر به تضمین منافع استراتژیک آن نخواهد بود لذا دست به «رفرم» بعنوان تنها راه رهائی از مرگ زد.

کمونیسم، اصولی را اعلام داشته و کمکی که امریکا در اجرای آن اصول به کشورهای ترکیه و یونان کرده بود، ایندو کشور را به حفظ و صیانت استقلال خود موفق گردانیده بود ولی هنوز در مورد خاور میانه سیاست روشن و جدی از طرف دولت امریکا اتخاذ نشده بود.

اعلام موفقیت در این ماموریت بدون شک تاحدی تقصیر خود را بود زیرا امریکائیان متوجه شده بودند که ما با جدیت و اهتمام لازم به اداره امور داخلی خود نپرداخته‌ایم، شکست و اضمحلال چین ملی که در اوائل دهان سال پیش آمده موجب نگرانی شدید امریکا شده و انگشور را مضموم ساخته بود که تنها به کشورهای کسک که در تصفیه و تنظیم امور داخلی ایران عاقله کنند، به حسن جهت پس از بازگشت به وطن، نهایت جدیت به اصلاحات داخلی پرداخته. برنامه تقسیم املاک سفطانی را که مانده بود در سقلاعه قرار گرفته بود، به مورد اجرا گذاشتند. در سی آن، در بهمن ۱۳۲۹ دستور تقسیم املاک سفطانی اعلام میگردد. در اجرای این دستور، غلبه در ورق سوزید

ریشه یابی رفرم

مجموعه حاکمیت ایالات متحده امریکا پس از خانه جنگ جهانی دوم در حکم رهبری کننده امپریالیسم جهانی با توجه به شرایط جدید جهان منجمله رشد جنبش های استقلال طلبانه و تحلیل رفتن قدرت نیروهای استعماری ناشی از ضربات و خسارات جنگ و درک این واقعیت که دیگر با شیوه های کهنه پیشین، استعمار در قالب تازه خود قادر به حفظ سلطه همه جانبه بر اعمار خود نیست، سیاستهای نوین را در سطح جهانی طرح و به مورد اجرا گذارد.

پس از جنگ جهانی دوم «ترومن» رئیس جمهور وقت امریکا، طرحی مبتنی بر اصلاحات اجتماعی - اقتصادی که به نسبت موقعیت امپریالیسم یاری میداد ارائه نمود. بخشی از این طرح به «طرح اصل ۴ ترومن» مشهور گردید که در تاریخ ۳۰ دی «۱۳۲۷» یا «۱۹۴۹» ارائه گردید.

ترومن در خاطرات خود در خصوص اصل ۴ عنوان میدارد: «اصل ۴ یک اقدام عملی برای نشان دادن رویه ما نسبت به کشورهای بود که مورد خطر سلطه کمونیسم قرار گرفته بودند، و قبل از مطرح شدن اصل ۴ ترومن، سازمان جهانی خواروبار اقوام، تحفظات و سبسی را پیرامون مسائل کشاورزی و دهقانی در سطح جهانی آغاز نموده که ماحصل آن در سپتامبر ۱۹۵۱ در کنفرانس تحت عنوان «رفرم ارضی» در تقاضای در ساختمان ارضی به صاف» موافق رشد اقتصادی، منتشر گردید. بعنوان این کتاب که در حکم نظریه پرداز به امپریالیسم رهسو.

می داد، بر اصلاحات ارضی تاکید مینمود و در حقیقت بر کاربرد طرح ترومن در سطح جهانی تاکید میورزید.

در ادامه خط جدید امپریالیسم امریکا، «کنفرانس جهانی زمینداری» در اکتبر ۱۹۵۱ (۱۳۲۹) در ایالات ویسکانسین امریکا تشکیل گردید که «اسداله علم»، بزرگ فتودال رژیم ایران به عنوان نماینده ایران در آن شرکت داشت.



«از پایان جنگ دوم روشن شده است که به خاطر موقعیت ایران، منابع آن و موقعیت مالی مردم، این سرزمین یکی از بحرانی ترین مناطق در اموری که بر صلع و امنیت جهانی تاثیر میگذارد می باشد.» پس از وی «هدری» کارشناس امریکایی مسافر در سفارت امریکا در تهران در سالهای ۱۳۲۷-۲۹ با توجه به حسن خط چنین توصیه میکند: «در سالهای اخیر همانطور که شکاف بین طبقات اقتصادی ایران گسترش یافته و این اختلافات تجارت ضمنی سیاسی کسب نموده، لزوم نوعی رفرم ارضی فوریتر پیشتری یافته است.» در حوال و حوش تثبیت خط جهانی امریکا

سال ۱۳۳۰ بار دیگر در کنفرانس «ویسکانسین» شرکت کرده و تقاضای سرمایه‌ای جهت عملی‌سازی محورهای جمع‌بندی «توسعه کشاورزی» در نفسیه زمین میان دهقانان، بهره‌گیری از تکنولوژی جدید و اصلاحاتی در روابط مالک و زارع، تصریح مینمود.

جای توضیح است که ۴ سال قبل از ارائه طرح ترومن، امپریالیستهای آمریکایی در سال ۱۹۱۵ در کشور ژاپن، با اصلاحات ارضی دست زدند تا با توجه به تضادهای پس از جنگ در این کشور و نیز تجربه چین که در همسایگی ژاپن قرار داشت و «مصادره خونس زمین دار اموال فئودالها» در آن جریان داشت (۱) تجربه جدیدی در این کشور محقق نگردید.

در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۱۵ ژنرال دمک از توره امریکایی به عنوان فرمانده نیروهای آمریکا در ژاپن، طی فرمانی به دولت امپراطوری ژاپن چنین نوشت:

به دولت امپراطوری ژاپن دستور داده می‌شود در روز ۱۵ مارس سال ۱۹۱۶ و یا قبل از آن یک برنامه اصلاحات ارضی کامل به این فرماندهی تسلیم دارد. این برنامه باید شامل طرحهایی برای نکات زیر باشد:

الف - انتقال مالکیت زمین از میندارانی که خود به کار کشاورزی مشغول نیستند به کشتکاران.
ب - تأمین اعتبار برای خرید زمین های زراعی از مالکان غیر کشاورز به قیمت عدلانه.
ج - ترتیب خرید زمین به وسیله کشتکاران به اقساط سالانه متناسب با آن.

د - حمایت لازم از دهقانان جهت جلوگیری از برگشت آنان به وضع سابق رعیسی و اجاره نشینی.
برانجام این اصلاحات فرمانی در سالهای ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ در نتیجه فشار سروهای امپریالیسم آمریکا در ژاپن به مورد اجرا گذاشته شد (۲).

پس از طرح خط نازده امپریالیسم آمریکا، در چارچوب اصل ۴ ترومن، در ۲۷ مهر ۱۳۱۹ قراردادی با همین مضمون میان ایران و آمریکا امضا شد که به نفع اصلی خود را در برده‌های اول و دوم عمرای شده و نیز اصلاحات ارضی امپریالیستی در ایران نشان داد.

در همین ایوان فرانکلین هرست رئیس اصل ۴ اولسن مرفئین دست بوسیله و نشان داد ایران در سالهای ۱۳۲۲-۲۹ عنوان میکند.

کردن طرح را مطرح می‌نماید که در اول مهر ۳۱، بانک نپس از کمک آمریکا که سرمایه اولیه آن از سوی اداره املاک سلطنتی تأمین میشود، ایجاد شده تا با کمک های سرمایه گذاری بنیاد خود، در خط انجام طرح، عمل نماید.

همزمان با این تلاشها، «ماریس» از کارشناسان اصل ۴ و از طراحان چگونگی تقسیم اراضی سلطنتی بیان می‌دارد: «برنامه املاک سلطنتی دارای اهمیت عظیم بین‌المللی است، به علت همجواری ایران با شوروی و به علت خصوصیت رسمی آن وحیثیت برپا کننده آن، میبایستی تأثیر سودمندی که تأالسوی مرزهای ملی ایران توسعه میابد، دانسته باشد و شکست آن ممکن است منجر به عکس العمل ژاپن آور دستکم در سرتاسر خاورمیانه شود».

با فروش و با اصطلاح تقسیم بخشی از املاک و روستاهای خودشاه، در سال ۱۳۳۸ قانون تجدید مالکیتها مطرح گردید، شاه در جلسه افتتاحیه سنادر مهر ۲۸ اعلام نمود که بزودی قانون تجدید مالکیت از سوی وزارت کشاورزی به مجلسین ارائه خواهد شد که در تدوین آن «هلات» از کارشناسان آمریکایی نقش عمده‌ای داشت. نهایتاً این لایحه در اواخر آفر ۱۳۳۸ به مجلسین رفت که قصد آن محدود کردن حوزه مالکیتهای کلان، فئودال های عمده بود. همزمان با آن، فئودالهای وابسته به رژیم همچون علم به استقبال آن رفتند تا زمینه‌های کلی آنرا فراهم کنند. روزنامه مهر ایران از گن حزب مردم برهبری علم مینویسد:

«حزب مردم امر تجدید مالکیت را به منزله یکی از برنامه‌های اساسی کار خود تلقی میکند اما از آنجا که برای مصلحت ملت و ترقی و بقای مملکت در میان است بسیار خوشوقت خواهیم شد اگر دولت حزب ما (۳) در اجرای این برنامه برزق همت کند و نظام اجتماعی ما را به عالی‌ترین مراحل ترقی و تکامل برساند».

این لایحه راه خود تصویب بنا به برخی علل اجرا می‌شد. لایحه در سال ۱۳۳۰ در عبادی کفی و وسیعتر لایحه معروف اصلاحات ارضی رژیم تدوین می‌گردد.

رفرم امپریالیستی - شاهانه در دهه ۱۳۴۰
برنامه خود رژیم و اصلاحات اقتصادی - اجتماعی که از سوی امپریالیسم آمریکا پس از

پایان جنگ دوم جهانی پیش گرفته شده بود، جان کندی رئیس جمهور آمریکا در سال ۱۹۶۱ (۱۳۴۰ هـ ش) در پیام خود به کنگره آمریکا، بار دیگر رفرم همه جانبه را در کشورهای وابسته توصیه می‌نماید که این بار به گونه‌ای هماهنگ تر، جدی تر سیستماتیک تر با تحلیل مشخص از شرایط جهانی و انقلابی ارائه می‌گردد:

«بیمان های نظامی نمی‌نماید به کشورهای که بی عدالتی اجتماعی و هرج و مرج اقتصادی راه خرابکاری را در آنها باز کرده کمک نماید، آمریکا نمیتواند به مشکلات کشورهای کم رشد فقط از نظر نظامی توجه کند. این امر خاصه در مورد کشورهای کم توسعه که به میدان بزرگ مبارزه تبدیل شده‌اند صادق است. به همین جهت باید پاسخ مابه‌خطراتی که متوجه این کشورهاست جنبه خلاق و سازنده داشته باشد ما میخواهیم که در این کشورها امیدواری پدید آوریم... ماهرانه‌ترین مبارزات ضدبازتیزی نمی‌تواند در نقاطی که مردم محلی کاملاً گرفتار بی‌نوائی هستند و به این جهت از پیشرفت خرابکاری نگرانی ندارند با موفقیت روبرو گردد».

بنیال «توصیه از موضع قدرت» امپریالیستها، رژیم شاه دست بکار تدوین لوایح اصلاحات اجتماعی - اقتصادی شد که در تدوین آن از تجارب همزمان و گذشته چنین رفرمی در آرژانتین، برزیل، مکزیک، ترکیه و یونان استفاده نموده و در حقیقت کازریادی برای انجام آن نداشت. در این مقطع قوانین رفرمیستی شاه تحت پوشش عوامفریبانه و مترقی نمایانه «انقلاب سفید» که از این پس اثرات خود را در نهاد های شهری و روستایی ایران نمایان می‌سازد، طرح و ارائه می‌گردد که بخش مهم آنرا لایحه اصلاحات ارضی تشکیل میداد.

با روند ناه شده، قانون مرحله اصلاحات ارضی در ۱۹ دی ماه ۱۳۴۰ به تصویب رسید و بر طبق یک مائور و ژست از پیش تعیین شده مورد حمایت امپریالیستها قرار گرفت.

مطبوعات رژیم نیز در داخل، با حمایت از رفرم، خطوط اصلی رژیم را به سوی آن بیان نمودند، نشریه تهران اکنون میس مینویسد: «انقلاب سفید برنامه اصلی جهان آزاد امروز است که برای جلوگیری از انقلاب فرمز یعنی برنامه کمونیستها، طرح شده و تمام کشورها برای انجام آن به شکلی قدم بر میدارند، لیکن کنگره کشورهای آزاد متفق القولند که

اصلاحات ارضی میتواند یکی از مهمترین موارد مهم این برنامه انقلاب سفید باشد.

این نشریه بدنبال این مطلب، در رابطه با مخالفین اصلاحات ارضی و نیز فتوئال هائی که تغییر ساحت رژیم و حرکت آن به سمت سرمایه داری وابسته، برایشان هنوز جانفته است، چنین ادامه میدهد:

«اگر جنبه سیاسی کار را بگیریم نفع انی و فوری هر مالکی در آن است که املاکش را هر چه زودتر تقسیم نماید زیرا کشوری که ۱۸۰۰ کیلومتر با شوروی سرحد دارد باید بیش از هر جای دیگری به فکر اصلاحات اجتماعی در جهت سرمایه دار کردن و بالا بردن سطح زندگی مردم باشد و به تجربه ثابت شده است که یکی از بهترین راههای رسیدن به این منظور، تقسیم املاک است و به همین جهت نام آنرا انقلاب سفید گذاشته اند، گو اینکه در قمرز که حکومت چین ملی حکومت میکند و می خواهند نمونه بهترین مارزات را علیه کمونیسم نشان دهند محور کار خود را هر یک رفرم ارضی صحیح قرار داده و به آن میبایند و شاهنشاه هم برای دیدن آن رفرم به چین ملی دعوت کردیدند.»

حمایتهای امپریالیستی نیز بدین مضمون عنوان میشوند. چستر باولز مشاور ویژه کندی در امور آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین در مسافرت خود در تهران میگوید: «برنامه اصلاحات ارضی ایران عکس العمل بسیار خوبی در واکنشگن داشته است. مقامات ایرانی با شروع تقسیم اراضی دست به اقدامات شهادت آمیزی زده اند... آمریکا به کشورهای کمک میکند که دست به اجرای برنامه های اصلاحاتی بزنند، انجام اصلاحات ارضی در ممالک کم رشد به عنوان یک تحول بزرگ سیاسی لازم است... آمریکا مقصم است که تمامی ملتھائی را که آماده این انقلاب هستند یاری کند.»

روزنامه اطلاعات روز ششم تیر ماه سال ۱۳۲۰ به نقل از فلیپ تالبوت معاون وزارت خارجه آمریکا مینویسد: «ایران با تسویق ها و کمک های آمریکا شروع به اجرای برنامه شجاعانه ای که عبارت از تثبیت اوضاع سیاسی میباشد نموده که دورنمای امید بخشی برای تخفیف و رفع مشکلات داخلی آنرا دارد.»

در تاریخ ۱۳۴۱/۶/۳ لیندون جانسون معاون کندی در تهران میگوید: «ما به مساعی مجد انھای که تحت رهبری اعلیحضرت همایونی شاهنشاه برای

مقابله با مشکلات بوسیله اجرای برنامه اصلاحی و عمرانی داخلی به عمل میآید ارج مینیم.»

شاه نیز که برای انجام رفرم امپریالیستی مجدانه به تلاش افتاده بود در تاریخ ۱۳۴۱/۶/۴ در پی سفر جانسون به تهران، اطمینان کامل را در قبال ادامه رفرم تا انتھاء به صادر کنندگان فرمان آن میدهد: «اصلاحات ارضی که اکنون در جریان است مسلماً تا به آخر ادامه خواهد یافت و برنامه هائیکه به نفع کارگران و کارمندان دولت و طبقات مختلف دیگر برای بالا بردن سطح زندگی مردم ایران در دست اجراست. نیز دنبال خواهد شد و همچنین فعالیت وسیع آبادنی و عمرانی و صنعتی، نیز بدون وقفه تعقیب خواهد گردید.»

* «رفرم واصلاحات» نه به عنوان یک حرکت دلخواه بلکه به عنوان جبر به امپریالیسم برای مقابله با جنبش های ضد امپریالیستی و ضد استثماری و خنثی کردن شعار حرکت های انقلابی در مناطق محروم جهان، تحمیل می گردد.

بدین ترتیب اصلاحات ارضی و پی آمدهای آن میروند تا موجد تغییراتی در محورهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در ایران گردد.

آنچه که امپریالیسم و رژیم شاه را به رفرم وا داشت

طرح رفرم توصیه شده از طرف امپریالیسم همچون هر پدیده دیگر سیاسی - اجتماعی، مبتنی بر شرایط داخلی کشور های وابسته و همچنین شرایط خارجی و جهانی مقطع خاص خود بود.

شرایط جهانی مقطع رفرم:

۱- پیروزی چند حرکت انقلابی و رادیکال، رشد روز افزون جنبشهای انقلابی و استقلال طلب، ایجاد جو ترقی خواهی در کشورهای جهان سوم، رشد آگاهی های نسبی سیاسی - ضد امپریالیستی در

بخش های محروم جهان و تلاشهای ملی جهت خارج کردن منابع از تسلط استعمار از ویژگی های انقلابی و مترقی در مقطع رفرم و سالهای نزدیک به قبل از آن میباشد، اشاره آن کوتاه و مختصر به چند حرکت مشخص در حوائی این سالها، تصویر و چشم اندازی مناسب از آن بدست میدهد:

* پیروزی انقلاب کوبا طی یک مبارزه قهر آمیز با رژیم دیکتاتوری «باتیستا» در سال ۱۹۵۸ و شروع تغییرات گسترده پس از پیروزی در این کشور که بخش مهمی از آن را تقسیم زمین میان دهقانان که از ستونهای اصلی پیروزی به شمار میرفتند، تشکیل می داد.

از سوی دیگر پیروزی انقلاب کوبا، این کشور را در منطقه امپریالیسم زده آمریکای لاتین، به عنوان مرکز ثقل جنبش های ضد امپریالیستی تبدیل نمود.

* به ثمر رسیدن انقلاب چین پس از گذراندن دو دهه مبارزه خصمانه با استعمار ژاپن و ارتجاع داخلی در سال ۱۹۴۹، در این حرکت نیز دهقانان به مثابه نیروی اصلی انقلاب تلقی شده و از سوی دیگر در خلال رویرونی مسلحانه با ژاپنی ها و نیز نیروی حاکم بر چین، هر منطقه ای که توسط نیروهای انقلابی آزاد میگردد، عمل تقسیم اراضی میان دهقانان توأمأ انجام میپذیرفت. پس از انقلاب نیز تا سال ۱۹۵۱ یعنی در فاصله ۲ ساله، بخش بسیار مهمی از مسائل ارضی حل گردید.

* پیروزی حرکت استقلال طلبانه در هند در سال ۱۹۴۷ که تاثیر بسزایی در اعتلای ستیزه جونی ضد استعماری در میان کشورهای تحت سلطه داشت.

* به قدرت رسیدن افسران آزاد برهبری جمال عبدالناصر در مصر در اوائل دهه ۱۹۵۰ و انجام اصلاحات ارضی و مبارزه با فئودالیسم از سوی ناصر در سال ۱۹۵۳، ملی شدن کانال سوئز توسط ناصر و دیگر اقدامات ضد استعماری در این کشور نیز در حکم ضربه ای بر توان به امپریالیسم تلقی می گردد.

* پیروزی کودتای عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸ در عراق که اصلاحات ارضی وی را در مدت کوتاه زمامداریش در پی داشت از طرف دیگر در همین زمان، قاسم کشور عراق را از پیمان امپریالیستی بغداد خارج ساخت.

* پیروزی انقلاب الجزایر و انجام اصلاحات ووق بزنید

*** نهضت ملی شدن نفت در ایران که منافع اساسی امپریالیسم را به مخاطره افکند و در ارتقاء آگاهی سیاسی مردم پس موثر بود.**

باذکر چند نمونه فوق که همگی در فاصله سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ به وقوع پیوسته بود، «رفرم» را میتوان به عنوان تنها راه رهایی امپریالیسم قلمداد کرد. امپریالیسم بخوبی دریافته بود که با توسل به شیوه های پیشین و تنها اتکاء به مسلح کردن دیکتاتورهای وابسته، قادر به تضمین منافع استراتژیک آن نخواهد بود بویژه آنکه در تمامی موارد ذکر شده، دهقانان و روستائیشینان از عمده ترین ستونهای انقلابی بوده، که جاذبه های ضد استثماری این حرکت و نیز تقسیم فوری اراضی میان آنان، سهم عمده ای در جلب آنان به انقلاب داشته است.

مقابله با کمونیسم و از دست دادن برخی از مواضع حیاتی در جهان، فلسفه وجودی رفرم را نمایان تر میساخت، از این رو استعمار آشکارا، توسل به دیکتاتوری نظامی، حضور مستقیم در کشورهای جهان سوم و تضادهای عمیق اجتماعی در جارجوب تحلیل نوین امپریالیسم از مقبولیت نسبی برخوردار بود، نه بدان مفهوم که امپریالیسم با این فاکتورها دارای تعارض است بلکه بقای سیستم غارتگر و سلطه جوی خود را در تغییر سطحی برخی نمودها و انجام سیاستهای رفرمی در این مقطع می بینید و در پی آنست تا با طرح رفرم از جاذبه جنبشهای انقلابی کاسته و «رفرم و اصلاحات» را به عنوان راه مقابله با رادیکالیسم رو به رشد مطرح نماید. بیان دقیق این تحلیل در سخنان صریح کندی نمودار است: «پیمان های نظامی نمیتواند به کشور که بی عدالتی اجتماعی و هرج و مرج اقتصادی را در خرابکاری را در آنها باز کرده کمک نماید. آمریکا نمی تواند به مشکلات کشورهای کم رشد فقط از نظر نظامی توجه نماید».

از این روست که در چنین شرایطی «رفرم و اصلاحات» نه به عنوان یک حرکت دلخواه بلکه به عنوان «جبر» به امپریالیسم برای مقابله با جنبشهای ضد امپریالیستی - ضد استثماری و خنثی کردن شعارهای نیروهای انقلابی در مناطق محروم جهان، تحمیل می گردد. با توجه به اینکه این نوع واکنشها در سالهای نزدیک به قبل از آن در کشورهای ژاپن و فیلیپین تجربه ای موفق برای

* اصلاحات توصیه شده از سوی امپریالیسم که با توجه به شرایط جهانی و داخلی ایران و همچنین بابت گیری از تجارب جهانی طرح ریزی شده بود، از این پس بگونه هماهنگ و سیستماتیک سرمنشأ دگرگونی های اساسی در ساخت شهری و روستائی می گردد.

امپریالیسم بر جانهاده بود، رژیم های دیکتاتوری نیز با توجه به همین تحلیل، نه برای ماهیت بلکه بنابه جبر اجتناب ناپذیر به استقبال رفرم آمدند. (۴) وزیر کشاورزی وقت ایران در خرداد ماه سال ۱۳۴۳ در تبریز بخوبی این نیت را آشکار می سازد: «باید خود را با تحول زمان هماهنگ سازیم زیرا جبر تاریخ اجتناب ناپذیر است. اگر خود عامل آن باشیم، آسان میگذرد ولی اگر قرار باشد چرخ زمان آنرا علیه غم ما انجام دهد ما را زیر دندانهای خود خورد خواهد کرد».

بدین شکل انگیزه رفرم در وجه خارجی و جهانی آن مشخص می گردد.

ب - شرایط داخلی ایران و ارتباط آن با رفرم

اوضاع روستاها و مشخصه های آن:

۱- فقر مفرط: برای بیان این محور کافی است تا به اظهار نظر خود رژیم به اوضاع روستائی ایران قبل از اصلاحات ارضی نگاه بیندازیم. در کتاب «سمنار ملی رفاه اجتماعی» که در سال ۱۳۵۳ از سوی سازمان برنامه و بودجه انتشار یافته بود، چنین آمده است: «وقتی اجرای برنامه همه جانبه اصلاحات ارضی در ایران آغاز شد، تقریباً اکثر مراکز روستائین کشور ماجیزی جز ویرانه نبود، در برخی مناطق سالها بود که کسی برای نگهداری و مرمت قناتها کاری نکرده بود، دولت و نسلهای پی در پی در این کشور مسئله نیاز به آموزش و بهداشت در روستاها و بخصوص عمران و نوسازی دهات و مناطق روستائین کشور را امری نادیده گرفته

بودند و در موارد بسیاری نیز اعتبارات و امکانات و وسائل اختصاص یافته برای عمران و نوسازی روستاها به مصرف واقعی خود نرسیده و صرف اجرای طرحهای عمرانی در مناطق شهری شده است و به این ترتیب در این زمینه نه تنها زیر بنا وجود نداشت که بر اساس آن یک ساختمان نوبوجود آید بلکه در هر قدم در این راه یک شکل موروزی به چشم میخورد».

۲- توزیع ناعادلانه زمین: در اعلامیه وزارت کشاورزی در سال ۱۳۴۱ آمده است: «تعداد ده هزار روستائی ایران متعلق به مالکانی بود که صاحب بیش از ۷ روستا بودند، چند مالک صاحب بیش از ۱۰۰ روستا بودند و تقریباً ۸۵٪ زمینهای زراعی متعلق به مالکان بزرگ بود و قسمت ناچیزی را مردم معمولی مالک بودند».

مجزا از آمار وزارت کشاورزی، در ایران فنودالهایی بودند که بیش از ۳۰۰ روستا داشتند، املاک فرمانفرما در حدود ۲ برابر سرزمین بلژیک و زمینهای بالقولتلیج برابر با کل مساحت سوئیس بود، همچنانکه شاه و خانواده اش تا قبل از فروش املاک سلطنتی بیش از ۲۰۰۰ روستا را صاحب بودند. در برابر نیز فنودالهای بزرگی نظیر علم وجود داشتند که قسمت قابل توجهی از زمین های استان خراسان را در کف داشت.

۳- استعمار و بهره کنسی در نظام ارباب و رعیتی: در حوزه روابط تولیدی، تقسیم محصول بر اساس قاعده «عوامل پنج گانه تولید» صورت میگرفت که مضمون آن استعمار فجع و بی مانند دهقان توسط مالکان بود مطابق این نظر به ۵ عامل زمین، آب، کار، بذر و گاو در تولید از سهم متساوی برخوردارند و محصول میان مالک و رعیت بر اساس میزان عواملی که آنها در تولید مشارکت داده اند تقسیم میگردد. در این چارچوب رعایای ستمزده که تنها دارائی شان کار بود، عملاً صاحب یک پنجم محصول شده و چهار پنجم باقی را مالکان بدون انجام کمترین زحمتی بهره مند می شدند.

علاوه بر آن، عوارض و بهره مالکان نیز رایج بوده که در برخی مناطق تعداد این عوارض به چندین مورد می رسید، از جمله مالیات آفتاب (۶) و عوارض موش خورانه (۷) و... دیگر دست آویزها. مضافاً بیکاری نیز شیوه ای رایج محسوب می گردید.

بقیه در صفحه ۸۵

عبارتست از: روغن کنسی، صابون سازی، چای خشک کنی، برنج کوبی، دباغی پوست، ابریشم کنسی، پشم و نخ رسی.

در برخی کشورها مانند تایلند و تانزانیا صنایع روستائی صنایع خدماتی را هم که در روستا متداول است در بر میگیرد نظیر تعمیر تراکتور و کمپاین، تعمیر موتور پمپ و غیره، البته از نظر تقسیم بین المللی فعالیتهای اقتصادی طبق ضابطه دفتر بین المللی کار سازمان ملل، اغلب آنها تحت عنوان صنایع کوچک قرار میگیرد.

درخاتمه برای آشنائی و معرفی صنایع دستی و روستائی ایران از خوانندگان و علاقمندان و صاحب نظران این رشته تقاضا میشود مطالب و مقالاتی که درباره صنایع دستی و روستائی از مناطق مختلف ایران دارند به مجله جهاد ارسال دارند تا انشاء الله بتوانیم برای شماره های آینده مجله استفاده کنیم.

دستاوردهای انقلاب

باشد. بدین لحاظ می بایستی که به این مسائل، با حفظ اولویت جنگ دربرنامه ریزی ها و شعارها، توجه کرد.

ازسوی دیگر نحراف و خیانت قشری سودجو و خائن نیابستی که موجب زیر سوال رفتن افشار متعهد و انقلابی بازار شود. کما اینکه امام در ۱۲ فروردین ۶۲، طی پیامی ضمن هشدار شدید به محتکران و گران فروشان و تعبیر عمل ایشان به «تضعیف اسلام» و «شکستن جمهوری اسلامی»، بازاریان متعهد خواستند که توطئه کسانیکه را «لکه های تنگی بردامن بازار هستند» با «تدبیرات عاقلانه» خنثی نمایند.

با مرور زمان و طرح مکرر حفظ تروریزم اقتصادی و تأکیدات امام و دیگر مسئولین، عده ای به جای اینکه درصدد قطع ریشه های این توطئه باشند به صرف دستگیری چند کاسب خرده یا بسنده کرده یا سعی می کنند ابعاد مسئله را درحد مجازات چند مجرم کوچک محدود کنند. درصورتیکه مبارزه با تروریزم اقتصادی منوط به حل صحیح مسئله توزیع کالا می باشد و با طرح لایحه توزیع در مجلس

شورای اسلامی امیدهای بیشتری به مبارزه ریشه ای با این توطئه ها بوجود آمده است. درکنار همه مسائل ذکر شده باید به این امر توجه داشته باشیم که مبارزه با تروریزم اقتصادی، درراستای حرکت به سمت خودکفایی اقتصادی و اتکاء، صرف به نفت امکان پذیر می باشد.

خلاصه اینکه شناسایی تروریزم اقتصادی و باند های سیاه و رشد آگاهی اقشار مختلف حزب الله و نیروهای خط امام و طرح مسائل اقتصادی درحوزه های علمیه و اهمیت بیشتر برای آنها قائل شدن از جمله دستاوردهای این سال است که مسلما تأثیر مستقیمی بر دیگر شئون جامعه اسلامی ما دارد. چنانچه حجت الاسلام رفسنجانی نیز در دیدار با بخشداران و فرمانداران، اشارتی به این مسئله کردند که آوردن گوشه ای از این سخنان هم تأثیر مثبت رشد آگاهی مردم را برانتخابات مجلس تشریح می کند و هم حسن ختامی است برای پایان بخشیدن به این بحث: «امروز مردم ما دیگر جریانها را شناخته اند و من بعید می دانم که در این دوره مجلس دیگر کسانی باشند که بتوانند سر مردم کلاه بگذارند... در دوره قبلی این شد (که) ما تازه انقلاب کرده بودیم، چهره ها شناخته نشده بودند و جریانه ها و ریاکارها مشخص نبودند. مردم آنها را شناخته بودند. همچنین آدمهای خیلی خوبی هم بودند که برای مردم کشف نشده بودند و خیلی آسان بود که مردم گول بخوردند ولی در این دوره دیگر اینطوری نیست. مردم افراد خدمتگزار را شناخته اند مجریان را اعم از خوب و بد شناخته اند. روحانیون، افکار، خطوط و حتی جبهه بندی های اقتصادی برای مردم مشخص شده است.»

«تصحیح و توضیح»

در گزارشی که پیرامون ساخت پل شهید ناجیان تحت عنوان «پل شهید ناجیان جلوه ای از ابتکار، تلاش و...» در شماره گذشته داشتیم، آمده بود که این طرح توسط ستاد پشتیبانی شهرستان شوش انجام گرفته. در صورتیکه این پل به همت جهادگران ستاد پشتیبانی اهواز (ستاد کربلا) ساخته شده

روستا منطقه مغضوب...

۴- شیوه ابتدائی تولید: در تولید کشاورزی، ابتدائی ترین شیوه ها از جمله شخم زمین با گاو رایج بوده و کمتر اثری از کشاورزی مکانیزه و تکنیک های جدید دیده میشود.

۵- قدرت سیاسی و نظامی فئودال ها که ازسوی ژاندارمری حمایت میگرددند و در مقابل برخورد ایزاری با روستائیان.

۶- کمبودهای فاحش امکانات بهداشتی، فرهنگی و آموزش، تفریحی و ارتباطی در روستاها و تفاوت چشمگیر حجم اعتبارات عمرانی در شهر و روستا. (۸)

۷- سلطه فرهنگ فئودالی بر روستاها.

مجموعه مشخصه های فوق که بیانگر عمق ستم نابرابر در روستاهای ایران بود و نیز تضادهای عمیق درون شهری همچون استثمار کارگران، فشارهای وارده بر اقشار مردم شهری، امکانات اندک و ناکافی بهداشتی، تحصیلی، فرهنگی و... در شهرها، درآمد های ناکافی و سایر فاکتورهای از این دست، امپریالیسم و رژیم راوادار به رفرم کرد که قسمت عمده این رفرم شامل تغییرات ارضی است که تغییرات شهری و روستائی پس از رفرم در بخش های آینده توضیح داده خواهد شد.

ادامه دارد

پارقی ها:

- ۱- در این سالها انقلاب چین برهبری مائو به اوج خود رسیده بود که در آن هرمنطقه که توسط نیروهای انقلاب آزاد شده بود، اصلاحات ارضی و تقسیم زمین میان دهقانان صورت گرفته بود.
- ۲- به مشابعت بندهای این فرمان اصلاحات، با موارد قانون اصلاحات ارضی ایران در سالهای ۴۱ که بعداً ارائه میگردد توجه شود.
- ۳- حزب ملیون حزبی بود که دولت وقت را تشکیل داده بود.
- ۴- اگرچه در ایران برسر رفرم در آغاز میان شاه و آمریکای تعارضاتی دیده شد اما نهایتاً این تعارض به نفع طرح توصیه شده امپریالیسم حل گردید.

۵- قبل از اصلاحات ارضی

- ۶- در روستاهای ملایر، رعایا برای خشک کردن کشت خود در مقابل افتاب، به مالک مالیات افتاب میدادند.
- ۷- دومیاری که محصول سهم مالک، در انبار آسیب میدید این نوع مالیات در برخی از دهات از رعایا گرفته میشد.
- ۸- نه بدین مفهوم که شهرها از امکانات تمام برخوردار بودند بلکه به مفهوم ستم مضاعف بر روستا است.